

درسهای که میباید آموخت: مظلّم ارمنی

امرار معاش از طریق تجارت "نسل کشی"

مهران بهاری

۳۱ یئلین آی، ۲۰۰۵ (تویوق ایلی)

از وبلاگ ساری گلین

<http://sari-gelin.blogspot.com/>



حرکت ملی ارمنی نه تنها از نظر اشغال سرزمین ملل دیگر و دست زدن به کشتار گروهی و اخراج جمعی و .... به صهیونیسم شباهات فراوانی دارد، از جهت سیر تاریخی نیز مشابه آن است. پس از جنگ دوم جهانی رهبران ارمنی که مشاهده نمودند طرح مساله نژادکشی یهود، باعث بدست آوردن سهل سرزمین فلسطین بدست یهودیان شد، با اتخاذ تاکتیک جدیدی شروع به تقدیم حوادث سالهای ۱۹۱۵ اینبار به عنوان نژادکشی نمودند. به امید اینکه در این سایه از خاک آناتولی شرقی و قفقاز جنوبی (هر دو، ترک آذربایجانی نشین) نصیبی بدست آورند. از طرف دیگر همانطور که نخستین طرفداران ایجاد دولت اسرائیل از میان یهودیان سوسیالیست برخاسته بودند، بخش عمده ای از طرفداران رویای ارمنستان بزرگ نیز در آغاز از سوسیالیستها بودند. و نیز همانگونه که در میان یهودیان پس از دهه های ۵۰-۶۰ چرخشی آشکار به سوی آمریکا رخ داد، این روند در میان ارمنیان نیز مشاهده شد و رهبران ارمنی نزدیکی به آمریکا را به عنوان روشی که آنها را در کوتاهترین مدت به رویای خویش نائل خواهد کرد نگریستند. این چرخشها، نزدیکی همزمان به دو اردوگاه چپ و راست و فعالیت پنجاه ساله لوبی ارمنی شتاب و موفقیت بسیاری برای حرکت ملی ارمنی بیار آورد.

از سوی دیگر در ترکیه دولت این کشور، با ترس از آنکه شاید در آرشیو عثمانی چیزی که موید نسل کشی باشد پیدا گردد، مدتها در باز نمودن این آرشیو تعلل نمود. اما بالاخره پس از درک وسعت اقدامات و تاثیر تبلیغات ارمنیان، به این اقدام دست زد و مشاهده کرد در آرشیو عثمانی چیزی که موید نسل کشی باشد وجود ندارد و پس از آن به انتشار اسناد پرداخت. اما هنگامی که آنکارا آرشیوهای خود را برای عموم گشود و اسناد را رو کرد، کار از کار گذشته بود و افکار عمومی غرب دیرزمانی بود که به وجود نژادکشی ارمنه باور کرده بود. وضع آنچنان بود که حتی پس از باز شدن آرشیوهای عثمانی تقاضائی برای بررسی آنها نشد. ترکیه ترن تبلیغات را از دست داده بود.

امروز نسل جدید ارمنی، بیخبر از جنایات نسل های قبلیشان، و بدون احساس نیاز به هر گونه سند و مدرکی، نه تنها به قربانی بودن خود و نسل کشی ارمنه باور کرده است، بلکه توانسته است دیگران را هم به آن بیاوراند. اکنون افسانه نسل کشی ارمنی در آمریکا و اروپا به بخشی اقتصادی-تجاری تبدیل شده است. هزاران تن از "نسل کشی" گذران زندگی میکنند. در این زنجیره، انجمنها، موقوفات، مدارس، شرکتهای لوییگری، دفاتر حقوقی، رسانه های نوشتاری و صوتی و دیداری، موسسه های انتشاراتی، هنری، موسیقی و شرکتهای تهیه کننده فیلمها و .... جای دارند. ارمنیان با هفت میلیون دیاسپورای قوی خود، میوه های فعالیت لوییگری خود را که سالیان دراز با موفقیت آنها انجام داده اند میچینند. جامعه ثروتمند ارمنی که به درجه مهمی با جامعه فرانسوی ادغام شده و به مقامات بسیار مهمی در این کشور دست یافته است، آنچنان قدرتمند گردیده که اکنون به عنوان ارمنی فرانسوی میتواند بر سیاستهای خارجی دولت فرانسه تاثیر گذارده و در راه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نیز سنگ اندازی کند. هر چند بسیاری از دولتهای اروپائی به دلیل اشتراک مستقیم در امر اشغال و تجزیه عثمانی و استفاده از ارمنه برای کشتار گروهی و نسل کشی ترکان قفقاز و آناتولی و ایران، خود مستقیماً نمیتوانند ادعای نسل کشی ارمنه را

به رسمیت بشناسند، اما پارلمان بسیاری از دولتها داستان قتل عام ارامنه را پذیرفته است. کار به جایی رسیده که دانشمندان و تاریخ نگاران اروپائی و آمریکائی که نژادکشی ارامنه را انکار میکردند حتی آنرا زیر سوال میبردند تکفیر و طرد شده اند.

## مرکز آرشیو و اسناد حوادث جیلوولوق-قاچاقار در آذربایجان جنوبی

گذشته باید در گذشته باقی بماند و البته میباید از آنچه که اتفاق افتاده است - بدون آنکه اسیر گذشته شد- درسهای لازم گرفته شود. این همان چیزی است که خلق ترک از آن غافل بوده است. در گذشته ترکان ترکیه، آذربایجان و ایران که خود به دفعات قربانی نسل کشی ارامنه بوده اند آنچنان میدان را خالی گذارده اند که اکنون ارمنیان موفق به قبولاندن داستان نسل کشیشان به افکار عمومی جهان شده اند. در حالیکه ارمنیان، وقایع خونین سالهای نخست قرن بیستم را هرگز نخواسته اند فراموش کنند و هویت ملی ارمنی را بر اساس نفرت و دشمنی با خلق ترک بنیاد گذارده اند؛ خلق ترک در عثمانی، قفقاز و ایران، با ساده دلی تمام مصیبتهایی را که در آن سالها متحمل گردیده است، هم از حافظه خود و هم از حافظه فرزندان خود پاک، تلخی ها و دشمنیها را در گذشته دفن و هویت ملی خود را نه بر اساس دشمنی با دیگر ملل، بلکه بر اساس دوستیهای آینده بنا نهاده است. خلق ترک - بر خلاف خلق ارمنی- نه به گذشته، بلکه به آینده نگریسته است و در این موضوع، به سبب آنکه صادقانه به قربانی بودن خود باور داشته است، کوچکترین اقدامی ننموده است. اما دیاسپورای ارمنی، به جای اعتراف و عذرخواهی از کشتارها و مظالمی که در آغاز و پایان قرن بیستم بارها و بارها بر علیه خلق ترک در شرق ترکیه، آذربایجان شمالی و جنوبی انجام داده است، با زنده نگاهداشتن افسانه قتل عام ارامنه دائم در تنور نفرت دمیده است.

متأسفانه ما ایرانیان نیز بیش از هشتاد سال است با تبلیغات هماهنگ ترک ستیزانه لوبی ارمنی - قومیتگرایی فارسی کانالیزه شده ایم و دانسته هایمان در باره مسئله ارمنی در عثمانی، کشتار ترکان ایران و آذربایجان به دست ارامنه و کلا مسئله ترک-ارمنی بسیار اندک است. آن اندک هم بدون یک کلمه زیاد و کم عبارت است از همان ادعاهای افراطیون دانشناک و نژادپرستان فارس که به آموزه و تبلیغات رسمی دولتی مبدل گشته است. امروز در ایران بسیاری از نژادپرستان ایرانی پان ایرانیست و قومیتگرایان افراطی فارس منسوب به هر سه جناح مذهبی، چپ و سلطنت طلب، عملاً به صورت مدافعین توسعه طلبی دولت رمنستان و اشغال اراضی جمهوری آذربایجان، توجیه کنندگان قتل عامهای انجام شده توسط ارمنیان مسیحی بنیادگرا در آذربایجان جنوبی، جمهوری آذربایجان و لوبیگران ارمنیان ضد ترک -ضد آذربایجان در آمده اند. لوبی پر قدرت ارمنی موفق شده است به سیاستهای خارجی تنها دولت رسماً شیعه جهان یعنی جمهوری اسلامی ایران جهت داده و آنرا به پشتیبانی از کشوری که خاک مسلمانان شیعه را اشغال نموده و به قتل عام شیعیان مسلمان پرداخته است وادارد. با پیروی دولت جمهوری اسلامی از سیاست های ضدترکی و حمایت آن از دولت اشغالگر ارمنی، میتوان گفت که دول استعماری غرب

مانند دوره پس از شاه عباس، بار دیگر موفق شده اند که در سیمای ایران و بنام اسلام و بدست فارسان شیعی، ضربه ای مهلک و تاریخی بر پیکر جهان اسلام و دنیای تورکی وارد آورند.

در ایران - در اثر غفلت یک سد ساله خلق و نخبگان ترک و آذربایجانی که قربانی قتل عامها و نسل کشی ارمنیان بوده اند- به جز نوشته های پراکنده و غیرتخصصی و مقالات اغلب جدلی؛ مطالعات و بررسیهای جدی و آکادمیک و مجموعه های اسناد و آرشیو در باره کشتارهای ترکان آذربایجان ایران در سالهای جنگ جهانی اول توسط نیروهای ارمنی (حوادث جیلوولوق-قاچاقلار) وجود ندارد. جا دارد که مرکز و یا مراکزی به این منظور ایجاد، مرکز آرشیوی متشکل از همه اسناد دولتی و روزنامه ها و عکس ها و خاطرات بازماندگان آن حوادث و سروده های آشیقان و مرثیه های مردمی در باره آن فجایع ترتیب داده شود.

البته در کتب خاطرات و تاریخ و جغرافیای مناطق و .... مربوط به منطقه اطلاعات پراکنده بسیاری وجود دارد که میباید جمع آوری و بر حسب موضوع و محل وقوع فجایع (اورمیة، سالماس، خوی، دیلمقان، سولدوز، ماکو، قره داغ، مرند، قوشچو، شرفخانه و ....) هر کدام به صورت مجموعه های جداگانه دسته بندی و نشر شوند. همراه با برگزاری کنفرانسها و نمایشگاهها و سمینارهای علمی در مراکز دانشگاهی و فرهنگی شهرهای مذکور، میبایست به برپاداشتن مراسم سالانه یادبود مذهبی در مساجد و جمع آئولری و نصب مجسمه و بناها و لوحهای یادبود در آنها- به زبانهای ترکی و انگلیسی- نیز اقدام نمود.

تنها در این صورت است که میتوان به این سوال پاسخ داد چگونه چنین فجایعی بوجود میآیند و تکرار میشوند. یافتن پاسخ این سوال از طرف خلق و روشنفکران ترک-آذربایجانی، آینده ای صلح آمیز را برای مردم منطقه تضمین میکند، و غفلت از پاسخ دهی به این سوال است که باعث شده ترکان آذربایجان در طول قرن بیستم چهار بار در معرض کشتارهای جمعی توسط ارمنیان قرار گیرند.

### مظالم ارمنی: نهدن یارب، نهدن بؤیله دوغراندیق؟

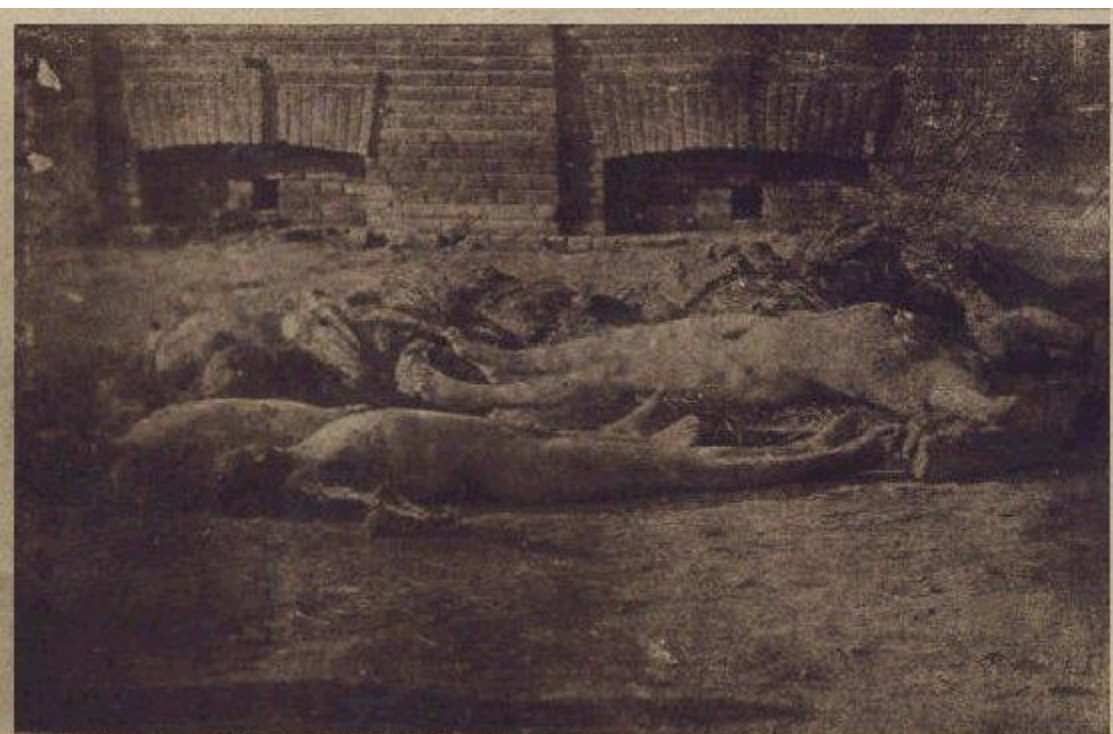
سروده های زیر از شاعران مردمی و آشیقهای ترک در باره قتل عامهای انجام گرفته شده توسط ارمنیان در شرق آناتولی و یا آذربایجان ترکیه است. سرایندگان این اشعار خود شاهدان عینی کشتار ترکان توسط ارمنیها در شرق آناتولی، در سالهایی که شرق ترکیه تحت اشغال مشترک نیروهای ارتش روسیه و ارمنستان قرار داشت، بوده اند. نامهای جغرافیایی ذکر شده در این اشعار همه در منطقه آذربایجانی شرق ترکیه در جوار مرزهای ایران قرار دارند: ارزروم (مرکز استانی به همین نام)، ارزینجان (مرکز استانی به همین نام)، قارس (مرکز استانی به همین نام)، ایغدیر (مرکز استانی به همین نام)، آرداهان (مرکز استانی به همین نام)، بایبورد (مرکز استانی به همین نام)، زرشات (زاروشات=آرپاچای Zaruşat- Arpaçay)، قالو (دره جیک، در پنج کیلومتری شرق شهر قارس)، شورا

گل (=آغ یاخا، در ساحل رود ارس در خاک ترکیه، Şoragel – Akyaka) و .... در این ناحیه تاکنون بیش از ۱۰۰ گور دسته جمعی متعلق به ترکان کشته شده توسط ارمنیان در سالهای جنگ جهانی اول یافت شده است.

در این سروده ها، از تسلیم شدن خلق ارمنی به روحانیون فاناتیک، جنایات و فجایع داشناکها و قوای روس، قتل عام زنان و کودکان و پیرمردان و پیرزنان غیرنظامی، دریده شدن شکم زنان باردار و تخریب و به آتش کشاندن روستا و شهرهای ترک توسط ارمنیان آلت دست روسیه و انگلستان سخن رانده شده؛ مظلومیت، عجز، امید و ایمان مردم بیدفاع ترک به آزادی و استخلاص بر زبان آورده شده است:



ارمنی مظلومند : قارنده آتش یا قق، یوزلری کسامک صورتیه انلاف ایدیلن اسلاملر



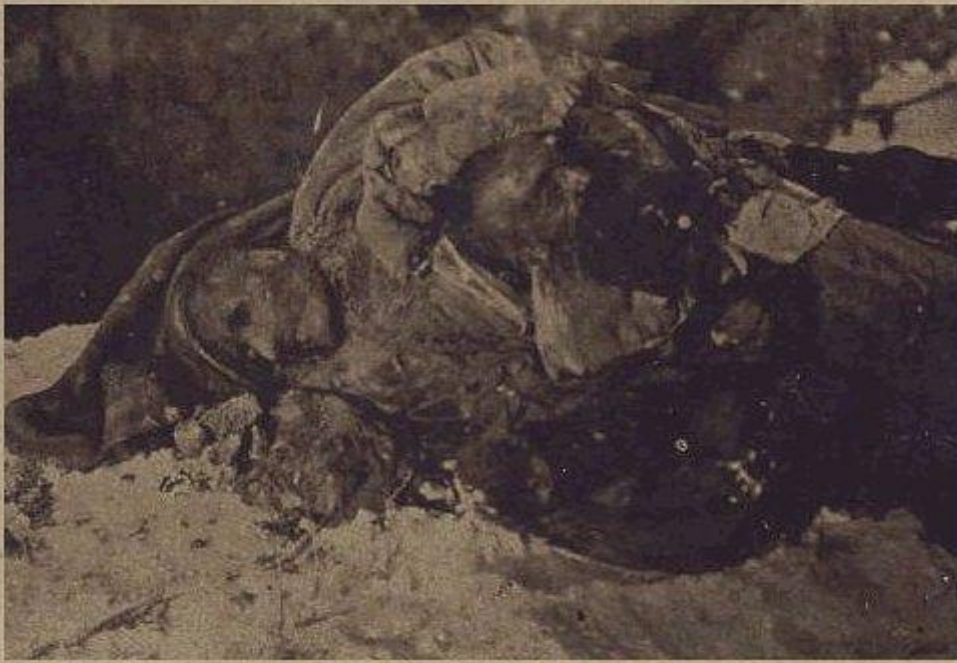
ارمنی مظالمیندن : ققاری کسپله رنک وجودلرندن آبریلیق و قوولاری کسپمک سورتیله  
اتلاف ایدیلمن مسایلر .



ارمنی مظالمینده • برونلری کسپمک، بیقلری یولتمق، قارینلریده آتش یاقیلیق سورتیله اتلاف ایدیلمن  
مسایلر .



بايبورد ارمني مظالمندن : جورجى ، قاديڭ ، اختيار بوزلرجه اجساد گوماسى



ارزنجانده اوپاه باشى عئلهسى اهالبسندن اولوب ارمنيلىر طرفندن كوزلرينه سونكو  
سورقلهرق بر صورت خيمهده شهيد ايديلمن مسلمانلردن .



ایلیجده قتل ایدیلمن بیچاره لردن



قارصده آیفلی باشلیقه باغلانهرق صورت بیجهده قتل ایدیلمن مطلوبیندن .





### 1920-1919 Erməni məzalimi – ۱۹۱۹-۱۹۲۰ ائرمنى مظالمى

Baqidir İslam'ın şərəfi, şanı باقىدير اسلام'ين شرفى، شانى  
Asi olma belə xənnas Erməni! عاصى اولما بئله خنناث ائرمنى  
Heç qalmaz yanına Türklərin qanı هئچ قالماز يانينا توركلرين قانى  
Alır, qoymaz səndən qisas, Erməni! آلير، قويماز سندن قيصاص، ائرمنى

Rus yerinə geçdin, vurdun zərbələr روس يئرینه گئچدين، ووردون ضربه لر  
Başımıza nələr gəldi, nələr! باشيميزا نهلر گتيردين، نهلر  
Ordumuz gəlincə etdin tövbələr اوردوموز گلينجه، ائتدين تئوبه لر  
Şimdi azdın, yox mu Asvas, Erməni شيمدى آزدین، يوخ مو "آسواس"، ائرمنى؟

Qəhbə İngiliz'ə sən bel bağladın قهبه اينگيليز'ه سن بئل باغلادين

Qars elini oda yaxdın, dağladın قارس ائلىنى اودا ياخدين، داغلادين  
Qış günü kəndlərə topu bağladın قىش گونو کندلره توپو باغلادين  
Qırdın çoluq çocuq, həp nas, Erməni! قيردين چولوق-چوجوق، هپ ناس، اثرمنى

Boş buldun meydanı, arslanam dərsin بوش بولدون مئيدانى، آرسلانام دئرسىيى  
Silahsız İslamı talar da, yersin سيلاحسىز ايسلامى تالار دا، يئرسىين  
Mövlam tez günlərdə bəlanı versin مؤولام تئز گونلرده بلانى وئرسين  
İçərsən ağını tas tas, Erməni! ايچهرسين آغىنى تاس-تاس، اثرمنى

Türk'ün namı əziz, duası xəlil تورک'ون نامى عزيز، دوعاسى خليل  
Bunu bilməyənlər olur xor, zəlil بونو بيلمه يهنلر اولور خور، ذليل  
Sənə olmuş vəhşi Daşnaklar dəlil سنه اولموش وھشى داشناكلار دليل  
Çürükdür təməlin, əsas Erməni! چورو کدور تملين اساس، اثرمنى

Qars, Zərşat, Şoragəl öksüzdür sanma! قارس، زرشات، شوراكل اؤكسوزدور سانما  
Azğın keşişlərin sözüne qanma! آزغين كئشيشلرين سؤزونه قانما  
Ərzurum, Ərzincan adını anma! ارزوروم، ارزينجان آدنى انما  
Eyləmə Bəylikə həvəs, Erməni! ائيلهمه به يليك هه هوس، اثرمنى

Sənə ibrət olsun xaraba Ani سنه عيبرت اولسون، خارابا انى  
Düşəndə görürsən Muş ilə Van'ı دوشونده گورورسون موش ايله وان'ى  
Qapdırırsan Gümrü ilə Rəvan'ı قاپديريرسين گومرو ايله روان'ى  
Giyərsən qara don, libas, Erməni! گييهرسين قارادون، لباس، اثرمنى

E'tiqadın pozma, bax yaradana ائعتيقادين پوزما، باخ يارادانا  
Füsrət belə qalmaz, dönər zamana فۇرست بئله قالماز، دؤنهر زامانا  
Düşərsən ayağa, dəstə, damənə دوشه رسين آياغا، دسته، دامنه  
O zaman et sonunu qiyas, Erməni! او زامان ائت سونونو قىياس، اثرمنى

Ərzurum, Pasin'də bəkləyir ordu ارزوروم، پاسين'ده بکله يير اوردو  
Əmir çıxar gəlir qurtarır yurdu امير چىخار، گلير قورتارير يوردو  
Səfil der atarıq vərərmi, dərđi سفيل دئر، آتاريق ورمى، دردى

Yaxında oluruq xəlas, Erməni! یاخیندا اولوروق خلاص، اثرمنی

۱۹۱۸ قالو (دره‌جیک) کندی قیرغینینا اُغیت

1918 Qalo (Dərəcik) kəndi qırğınına ağıt

Ey ağalar nasıl diyən dərdimi ائی آغالار ناصیل دیهن دردیمیز  
Vardı zülmün sonu ərşə dayandı واردی ظولمون سونو عرشه دایاندی  
Erməni İslam'ı qırdı, taladı ائرمنی ایسلام ی قیردی، تالادی  
Məzlumlar amanı ərşə dayandı مظلوملار آمانی، عرشه دایاندی

Qalo'nun kəndini basdı, cəng açdı "قالو"نون کندینی باسدی، جنگ آچدی  
Mitralyoz tūfənglə od, atəş açdı میترالیوز، توفه‌نگله اود، آتیش آچدی  
Ana övlad atdı, dağa daşa qaçdı آنا اوولاد آتدی، داغا داشا قاچدی  
Səbilər şüvəni ərşə dayandı صبیله شوهنی، عرشه دایاندی

Mövlanın təqdiri ərışdi başa مؤولانین تقدیری اریشدی باشا  
Üz çevirdi, baxmaz qardaş qardaşa اوز چئویردی، باخماز قارداش قارداشا  
Üç yüz altmış canı yaxdı atəşə اوچ یوز آلتمیش جانی یاخدی آتشه  
Qopdu Nuh tufanı, ərşə dayandı قوپدو نوح توفانی، عرشه دایاندی

Bir cənazə gördüm, qan olmuş üzü بیر جنازه گۆردوم: قان اولموش اوزو  
Pırlamış qırağa, sıçramış gözü پیرتلامیش قیراغا، سیچرامیش گۆزو  
Üç yüz altmış canın sönməmiş közü اوچ یوز آلتمیش جانین سؤنمه‌میش کۆزو  
Yanan can dumanı, ərşə dayandı یانان جان دومانى، عرشه دایاندی

Bir igid vurulmuş, barmaqlar qamış بیر ایگید وورولموش، بارماقلار قامیش  
Qaçarkən kafirə yolu uğramış قاچارکن کافیره یولو اوغرامیش  
Kafir tutmuş tikə tikə doğramış کافیر توتموش تیکه تیکه دوغرامیش  
Xəncər qılıc yanı ərşə dayandı خنجر قیلیچ یانی، عرشه دایاندی

Bir igidi vurmuş yolda qoymuşlar بیر ایگیدی وورموش یولدا قویموشلار  
Can təslim etmədən dəri soymuşlar جان təslim ائتمه‌دن درى سویموشلار

Cib-cib etmiş yanlarını oymuşlar جیب-جیب ائتمیش یانلارینی اویموشلار  
Əl cibdə fəqanı ərşə dayandı ال جیبده فغانی عرشه دایاندی

Bir gəlini gördüm, ayağa qalxmış بیر گلینی گۆردوم، آیاغا قالخمیش  
Sandım ki canı var, üzümə baxmış ساندیم کی جانی وار، اوزومه باخمیش  
Kafir mismar ilə dirəyə çaxmış کافیر، میسمار ایله دیرهیه چاخمیش  
Mismar, çivi ünü ərşə dayandı میسمار، چیوی اونو عرشه دایاندی

Bir hamilə qadın davranmış qaçaqاچا بیر حامیله قادین داورانمیش  
Erməni eyləmiş hər parça parça ائرمنی ایلهمیش هپ پارچا پارچا  
Qılıç ilə vurmuş bölünmüş qalça قیلیچ ایله وورموش، بؤلونموش قالچا  
Axan qızıl qanı, ərşə dayandı آخان قیزیل قانی، عرشه دایاندی

Çocuğu qarnından çıxartmış baxar چوجوغو قارنیندان چیخارتمیش باخار  
Can təslim etmədən süngünü taxar جان تسلیم ائتمه‌دن، سونگونو تاخار  
Bəbəyin fızahı, dağ daşı yaxar بیه‌یین فیزاهی، داغ داشی یاخار  
Dağın daşın şanı ərşə dayandı داغین داشین شانی عرشه دایاندی

Altı yüz altmış can batdı qırıldı آلتی یوز آلتمیش جان، باتدی قیریلدی  
Çoxu yandı, geri qalan vuruldu چوخو یاندی، گئری قالان وورولدو  
Bu kəndin dəftəri artıq dürüldü بو کندین دفتری آرتیق دورولدو  
Halın yamanı ərşə dayandı حالینین یامانی، عرشه دایاندی

Tanrı Erməni'yə vermiş fürsəti تانری ائرمنی'یه وئرمیش فورصتی  
Kəsdi kökümüzü, qırar milləti کسدى کۆکوموزو، قیرار میلیتی  
Ruz-i qiyamətə qaldı müddəti روز-ی قیيامته قالدی موددتی  
İntiqamın günü ərşə dayandı ایتیقامین گونو، عرشه دایاندی

**۱۹۱۸ یازیندا شوراکل (آغ یاخا)ده کی ائرمنی مظلایمینه آغیت:**  
**1918 yazında Şoragəl'dəki Erməni məzaliminə ağıt**

Gördüm Şoragəl'in ova, düzünü گۆردوم شوراکل'ین اووا، دوزونو

Çayır, çəmən, yaşıl almış üzünü اچايير، چمن، ياشيل آلميش اوزونو  
Ermənilər yaxmış, yılmış özünü اثرمنيلر ياخميش، ييخميش اؤزونو  
Sahibsiz vətənlər, insan qalmamış صاحيبسيز وطنلر، اينسان قالماميش

Əldə dolu badə düşmüş tökülmüş الده دولو بادە، دوشموش تۆکولموش  
Yıxılmış binalar, daşı sökülmüş ييخيلميش بينالار، داشى سۆکولموش  
Qırılan qırılmış, qalan çəkilmiş قيريلان قيريلميش، قالان چکيلميش  
Sahibsiz vətənlər, insan qalmamış صاحيبسيز وطنلر، اينسان قالماميش

Ya Rəb nələr gəldi mömin başına يا رب! نەلر گلدى مؤمين باشينا  
Didələr qərq olmuş qanlı yaşına ديدەلر غرق اولموش قانلى ياشينا  
Səfil bayquş qonmuş viran daşına سفيل بايقوش قونموش ويران داشينا  
Sahibsiz vətənlər, insan qalmamış صاحيبسيز وطنلر، اينسان قالماميش

Xaraba qapılar həp qarşı qarşı خارابە قاپيلار، هپ قارشى قارشى  
Qapıda dizildi mala, düzdaşı قاپيدا ديزيلدى مالا دوزداشى  
Mövlam qəbul etmə sən də bu işi مؤولام! قبول ائتمە سەن دە بو ايشى  
Sahibsiz vətənlər, insan qalmamış صاحيبسيز وطنلر، اينسان قالماميش

Çox evlər yıxılmış, xaraba bunlar چوخ ائولر ييخيلميش، خارابا بونلار  
Kəsilmiş kəllələr, tökülmüş qanlar کسيلميش کللەلر، تۆکولموش قانلار  
Hanı mənim mülküm diyən sultanlar هانى "منيم مولکوم" ديبهەن سولطانلار؟  
Sahibsiz vətənlər, insan qalmamış صاحيبسيز وطنلر، اينسان قالماميش

Məscid, mərək yanan insanla dolmuş مسجد، مرهک يانان اينسانلا دولموش  
Həpsi itə, qurda, quşa yem olmuş هپسى ايتە، قوردا، قوشا يئم اولموش  
Neçə ocaq sönmüş, bir adı qalmış نئچه اوجاق سؤنموش، بير آدى قالميش  
Sahibsiz vətənlər, insan qalmamış صاحيبسيز وطنلر، اينسان قالماميش

Çocuklar sahipsiz, yoxdur babası چوجوقلار صاحيبسيز، يوخدور باباسى  
Ağlar, gəzər, arar bulmaz anası آغلار، گزەر آرار، بولماز آناسى  
Kəsilmiş, havara gəlməz ağası کسيلميش، هاوارا گلەمز آغاسى

Sahibsiz vətənlər, insan qalmamış صاحیبسیز وطنلر، اینسان قالمامیش

İslamdan on kənd bütün dağılmış ایسلامدان اون کند، بوتون داغیلmiş  
Neçə bir can duman orda boğulmuş نئچه بیر جان: دومان، اوردا بوغولמוש

Cənazələr odun kimi yığılmış جنازهلر، اودون کیمی ییغیلmiş

Sahibsiz vətənlər, insan qalmamış صاحیبسیز وطنلر، اینسان قالمامیش

Qəhrman, səni sağ qalmaz olaydın! "قهرمان" سنی ساغ قالماز اولایدین!

Bu fani dünyaya gəlməz olaydın! بو فانیدونیا یا گلمز اولایدین!

Şorə gl' i belə bilməz olaydın! "شوره گل" ی بئله بیلمز اولایدین!

Sahibsiz vətənlər, insan qalmamış صاحیبسیز وطنلر، اینسان قالمامیش

۱۹۱۵ دە روس، ائرمینی و روملارین آرداهان'دا ائتدیکلری قیرغینلارا آغیت:

1915 də Rus, Erməni və Rumların Ardahan'da etdikləri qırğınlara ağıt

Ardahan'ı dağıtdılar آرداهان'ی داغیتدیلار

Bəylərini çağırtdılar بەیلرینی چاغیرتدیلار

On min altın naqd etdilər اون مین آلتین ناقد ائتدیلر

Yandın günahdan Ardahan یاندین گوناھدان آرداهان

Yandın fizahdan Ardahan یاندین فیزاھدان آرداهان

Bə'ziləri qaçdı gecə بعضیلری قاچدی گئجه

Qarlı dağlar aşdı gecə قارلی داغلار آشدی گئجه

Kimi zəhər dilər içə کیمی زهەر دیلەر ایچه

Nə günlər gördün Ardahan! نه گونلر گۆردون آرداهان!

Hanı şənli gün Ardahan؟ هانی شنلی گون آرداهان؟

Nazlı nazlı qız gəlini نازلی، نازلی قیز گلینی

Qazaqlar бүkdü belini قازاقلار بوکدو بئلینی

Tipilər tutdu yolunu تیپیلر توتدو یولونو

Qız gəlin hanı Ardahan؟ قیز، گلین هانی آرداهان؟

Yetim məskəni Ardahan ییتیم مسکنی آرداهان

جامع، مسجد دولو شووہن Cami, məscid dolu şüvən  
اوندا قورولدو بیر دیوان Onda quruldu bir divan  
قیردی ناسی "آگوپ"، "ایوان" Qırdı nası Aqop, İvan  
هانى زنگینلر آرداهان؟ Hanı zənginlər Ardahan?  
میسافیر سئوہن آرداهان Misafir sevən Ardahan

نامحرمدن قاچان قیزلار Naməhrəmdən qaçar qızlar  
قازاقلاری گۆروب سیزلار Qazaqları görüb sizlər  
قاچ ها قاچ oldu o düzlər قاچ ها قاچ oldu o düzlər  
نه لر گۆردون سن آرداهان Nələr gördün sən Ardahan  
اولدون هپ ویران آرداهان Oldun həp viran Ardahan

بئله اولور دونیا ایشی Belə olur dünya işi  
قان گۆتوردو بوتون لشی Qan götürdü bütün ləşi  
گۆرولموشدو قارا دوشو Görülmüşdü qara düşü  
یاخدین عالمی آرداهان Yaxdın aləmi Ardahan  
دərmanسیز دردلی آرداهان Dərmanسیز dərđli Ardahan

قیردیلار بۆتۆن اړلری Qırdılar bütün ərləri  
قانی دۆلدوردو یئرلری Qanı doldurdu yerləri  
سۆلدو آچیلمیş گۆللری Soldu açılmış gülləri  
سارالدین، سۆلدون آرداهان Saraldın, soldun Ardahan  
بیزه درد اولدون آرداهان Bizə dərđ oldun Ardahan

مین دوققوز یوز هم اون بئشین Min doqquz yüz həm onbeşin  
معلومدور اولدو بو قیشین Mə'lumdur oldu bu qışın  
بیر مؤولایا قالدی ایشین Bir mövlaya qaldı işin  
دیلی دوعادا آرداهان Dili duada Ardahan  
قالیبدير اودا آرداهان Qalıbdır oda Ardahan

**گئر چه یه هو!!!**